

ادب عربی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰



10.22059/jalit.2020.294029.612151

Print ISSN: 2382-9850/Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

Khazanet al-Khial: A Treasure in the Literature of the Safavid Era

Mohammad Hasan Foadian

Associate Professor Arabic Language and Literature, University of Tehran

Mohammad Mahdi Rezaei*

Ph.D. Graduate in Arabic Language and Literature, University of Tehran

Received: December 13, 2019; Accepted: December 14, 2020

Abstract

Mohammad Momen Jazayeri Shirazi Hindi (1074-1130 AH) was a prolific writer of the late Safavid period. His literary works amount to 39 books and treatises, most of which are in the form of manuscripts which have been neglected by researches. Few sources can be found on his biography and life except for those gathered and written by Ayatollah Marashi Najafi or some scattered notes written by himself in his works. The book *Khazanet al-Khial* (Treasure of Imagination) is one of his valuable works. It touches on various subjects such as literature, wisdom, sermons, debates, proverbs, history, and biographies. In this article, we examine the type of prose and writing style along with other literary features of this work according to the common literature of the Safavid era. The style of the book is rhymed prose, and it is replete with figures of speech, both verbal and abstract, which has made it look like the technical prose of maqama. However, despite the multiplicity of literary devices, it has fluent and understandable prose, and owing to the variety of subjects, it is not boring but fascinates the reader. One of its differences with maqama written by authors like Hamedani and Hariri is that each chapter has main and minor titles. Haj Mohammad Momen has derived a part of the contents of his book from the Quran, the hadiths, and writings of the early and late men of letters. Hence, we can find many instances of borrowing, adaptation, reiteration, and allusion to verses, hadiths, poems, and sayings everywhere in his book. Complete and sometimes calligraphic manuscripts of the book are available in Iran, along with two incomplete copies.

Keywords: *Khazanet al-Khial*, Mohammad Momen Jazayeri, Safavid, Stylistics, Technical prose.

*. Corresponding author: mahdirz@gmail.com

خزانه الخیال: گنجینه‌ای از جمال ادبی عصر صفوی

محمدحسن فوادیان

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

محمد مهدی رضائی (احسان)*

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

(از ص ۱۱۵ تا ص ۱۳۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

چکیده

محمد مؤمن جزایری شیرازی هندی (۱۰۷۴ ق - زنده به سال ۱۱۳۰) از نویسندگان پُرکار اواخر دوره صفویه بوده است. تألیفات وی بالغ بر سی‌ونه کتاب و رساله است که بیشتر آن‌ها به صورت نسخه‌های خطی باقی مانده و مورد غفلت واقع شده است. از شرح حال و زندگی او جز آنچه از آیت‌الله مرعشی برجای مانده یا خود به طور پراکنده در آثارش آورده است، کمتر منبعی یافت می‌شود. کتاب خزانه الخیال از آثار ارزشمند اوست که در موضوعات مختلف مانند ادبیات، حکمت، مواعظ، مناظره، مقامات، امثال، تاریخ و شرح حال نویسی است. در این مقاله نوع نثر و سبک نگارش و دیگر ویژگی‌های ادبی این اثر را با توجه به ادبیات رایج در عصر صفویه مورد بررسی قرار داده‌ایم. سبک کتاب، نثر مسجع و مشحون از صنایع بدیعی اعم از لفظی و معنوی می‌باشد، که آن را به نثری فنی مانند نثر مقامات ادبی شبیه ساخته است. اما با وجود کثرت صنایع ادبی، دارای نثری روان و قابل فهم است؛ با تنوع موضوعات، ملال انگیز نیست و خواننده را مجذوب خود می‌سازد. از تفاوت‌های آن با مقامات امثال همدانی و حریری این است که هر بخش، دارای عناوین اصلی و فرعی می‌باشد و بعضاً خودش قهرمان مقامه است. حاج محمد مؤمن بخشی از مطالب کتاب خود را از قرآن کریم و احادیث و نوشته‌های ادیبان متقدم و متأخر برگرفته است؛ از این رو تضمین، اقتباس، تصریح و تلمیح به آیات، احادیث و اشعار و اقوال در جای جای کتاب او به چشم می‌آید. نسخه‌های خطی کامل و بعضاً خوش خطی از کتاب در داخل کشور موجود است و دو نسخه هم بصورت ناقص یا آسیب‌دیده در دسترس قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: خزانه الخیال، محمد مؤمن جزایری، صفویه، سبک‌شناسی، نثر فنی.

۱. مقدمه

پژوهش حاضر در پی آن است تا با تحلیل متن پژوهانه و تاریخی به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع دسته‌اول قابل دستیابی و نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های کشور، یکی از آثار علامه محمد مؤمن جزایری شیرازی با عنوان *خزانة الخیال المشحونة بِدُرر الأقوال و غرر الأمثال* را به جویندگان علم و ادب معرفی کرده و در حد امکان، با خوانشی فراگیر، سبک نویسندگی ادبی در این کتاب را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، پس از معرفی شخصیت این ادیب سخن‌پرداز، یکی از کتاب‌های مشهور او با عنوان *خزانة الخیال* از نظر سبک نگارش، موضوع و دیگر ابعاد ادبی بررسی می‌شود.

علامه محمد مؤمن بن محمد قاسم جزایری شیرازی از نویسندگان بزرگ شیعه در اواخر قرن یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم هجری است که کمتر مورد توجه پژوهندگان قرار گرفته و تاکنون فقط یک اثر از او منتشر شده است.

کتاب *خزانة الخیال* یکی از ده‌ها اثر ارزشمند او به زبان عربی است. این کتاب در بردارنده موضوعات مختلفی در ادب، حکمت، اندرز، مناظره، مقامه، امثال، حکایات، تاریخ، شرح حال نویسی و دیگر اطلاعات مفید است. پس این کتاب - و البته دیگر تألیفات او - از ارزش ادبی بسیار بالا برخوردار است که می‌تواند خوان گسترده‌ای برای اهل تحقیق در موضوعات فرهنگی، ادبی، اخلاقی و تاریخی باشد تا در آن به تحقیق و پژوهش پردازند و آن را از زوایای مختلف از جمله سبک ادبی، موضوع و بلاغت مورد مطالعه قرار دهند.

از خصوصیات *خزانة الخیال* این است که بخش‌بخش و بدون پیوستگی مطالب است و به هر موضوع (بدون ترتیب منطقی در توالی عناوین) حدود یک تا چهار صفحه پرداخته است. هر مطلب یک تیتراصلی و کلی و یک تیترافرعی با تفصیل دارد. برای نمونه: «مقامة لائحة: صفات العالم الكامل»، «رحلة: مقامة صنعاویة»، «قصة ظریفه: قصة الحکیم والهريسة».

مطالعة *خزانة الخیال* جزایری از چند جهت مفید است؛ به عقیده نگارندگان، چنین آثاری آینه شخصیت چند بُعدی خالق آن است؛ مؤلف هم داستان‌سرایی می‌کند، هم از اخلاق و عرفان می‌گوید، هم تاریخ می‌نگارد، هم فلسفه و حکمت می‌آموزد، هم امثال و احادیث را یادآوری می‌کند و هم به فقه و طب و نجوم می‌پردازد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص معرفی کتاب خزانه الخیال و مؤلف آن تحقیق خاص و کاملی انجام نشده است و با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارندگان، تنها دو مقاله کوتاه و گذرا و مطالبی پراکنده درباره زندگانی این شخصیت به انجام رسیده است:

۱. به نظر نویسندگان مهم‌ترین اثر در این زمینه، یادداشتی از علامه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره) به‌عنوان مقدمه چاپ سنگی کتاب خزانه الخیال، چاپ کتابخانه بصیرتی قم (که در واقع تصویر نسخه خطی و بدون تصحیح است)، با عنوان کاشفة الحال فی ترجمة مؤلف خزانه الخیال قابل ذکر است. ایشان در این مقدمه، شرح مختصر و ارزشمندی از زندگی و آثار مؤلف آورده‌اند.

۲. نوشتاری از علی صدرایی خویی، با عنوان مشرق السعدین و شرح حدیث من عرف نفسه، در پایگاه الکترونیکی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ایشان بطور موجز و مختصر در حد بیان مشخصات کوتاه برای کتاب خزانه الخیال، مختصری از زندگانی حاج محمد مؤمن و یکی از آثارش به‌نام مشرق السعدین را ذکر کرده‌اند. منبع چاپی و کاغذی از این پژوهش نیافتیم و در آن پایگاه هم آدرسی برای آن ذکر نشده بود.

به غیر از موارد مذکور، در کتاب‌هایی چون معجم المؤلفین: عمر رضا کحاله، اثر آفرینان (زیر نظر سید کمال حاج‌سیدجوادی و عبدالحسین نوایی)، الدرریعة إلى تصانیف الشیعة (آقابزرگ تهرانی) و روضات الجنّات (میرزا محمدباقر موسوی خوانساری)، شرح مختصری از زندگانی محمد مؤمن جزایری شیرازی و آثارش آمده است، ولی اینکه مقاله یا کتابی به‌صورت اختصاصی آثار او را تحلیل و بررسی کرده باشد، یافت نشد؛ بنابراین یکی از انگیزه‌های تحریر مقاله حاضر، نادر و تازه بودن موضوع مبنی بر معرفی کتاب خزانه الخیال و تحلیل آن از جنبه‌های مختلف از جمله سبک نگارش و موضوع و نوع نثر بوده است.

۲. مؤلف خزانه الخیال

درباره شخصیت علمی و ادبی مؤلف خزانه الخیال به صورت پراکنده در کتاب‌های تراجم، اطلاعات مختصری داده شده است، که برای تدوین زندگی‌نامه واحد و نسبتاً کاملی از او باید اطلاعات پراکنده را از منابع مختلف با قرائن موجود کنار هم قرار داد.

علامه فقیه، اصولی، محدث، مفسر، کلامی، ادیب، شاعر، مورخ و سیره‌نویس، محمد مؤمن بن محمد قاسم جزائری شیرازی هندی یکی از چهره‌های درخشان اواخر دوران حکومت صفوی است. بنا به تصریح خودش در جلد اول طیف الخیال، ولادتش ظهر روز شنبه ۱۷ رجب سال ۱۰۷۴ هـ.ق* (ر.ک: المرعشی النجفی، ۱۳۹۳: ۶) در محله منسوب به شیخ عروه در شیراز بوده است (الطهرانی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۸/۴). پدرش، علامه محمدقاسم بن ناصر بن محمد، از ملازمان سیدهاشم بن حسین بن عبدالرؤف الاحسانی بود (النوری الطبرسی، ۱۴۰۸: ۱۶۱/۲) که محمدقاسم از او فقه و حدیث آموخت. علاوه بر این، از مجالس درس صالح بن عبدالکریم کرزگانی، عفر بن کمال‌الدین بحرانی و شیخ بهایی استفاده کرده و در فقه و حدیث مهارت یافته و بهره فراوانی از علوم ادبی داشته است (الطهرانی، ۱۴۳۰: ۵۸۹/۶؛ سبحانی، ۱۴۱۸: ۴۹۴/۱۲).

محمدقاسم جزائری صاحب تألیفاتی چون شرح نهج البلاغه و شرح صحیفه سجادیه است (المرعشی النجفی، ۱۳۹۳: ۶) و ناصر - جد محمد مؤمن و پدر محمدقاسم - با پدرش محمد، که از مشایخ معروف بود، از «جزایر» به شیراز آمد و همانجا سکنا گزید و ازدواج کرد.

۱-۲. مکان‌یابی جزایر

صاحب اعیان الشیعه لقب «جزائری» را منسوب به جزایر خوزستان دانسته است (الأمین، ۱۴۰۳: ۲۱۲/۴۶)، اما از آنجا که با بررسی تواریخ و کتب بلاد و کشورها، جزایری برای خوزستان نیافتیم و نیز با توجه به اینکه زرکلی و دیگران در تاریخ خانواده «سادات جزائری» و نوادگان سید نعمت‌الله جزائری می‌گویند که اصل آنها از جزایر بصره بوده است (الزرکلی، ۱۹۸۰: ۳۹/۸). به نظر نویسندگان، اصالت محمد مؤمن نیز باید از همان «جزایر بصره» باشد.[†]

*. اگر کل این تاریخ اشتباه نباشد، حداقل در ذکر روز آن از سوی مؤلف یا ناسخان اشتباهی رخ داده است؛ چون با مراجعه به تقویم، معلوم شد که ۱۷ ماه رجب سال ۱۰۷۴ قمری، روز شنبه نبوده، بلکه روز پنج‌شنبه و مصادف با ۲۵ بهمن‌ماه ۱۰۴۲ خورشیدی است.

□. برای مطالعه بیشتر درباره این جزایر ر.ک: مشتاق عی‌دان اعبی، جزائر البصرة ۱۵۴۶-۱۶۳۳ م (دراسة فی التحولات والاقتصادیة والاجتماعیة)، مجلة آداب البصرة، العدد ۸۳، ۲۰۱۸ م.

۲-۲. اصل و نسب جزایری

حاج محمد مؤمن در اواخر بخش «قصه الحکیم والهریسه» از خزانه الخیال، درباره اصل و نسب خود آورده است: «عربی الأصل، عجمی النسل، جزائری المحدث، شیرازی المولد، أعرف بأبي الفضائل، في أكثر الفنون كامل، من عمّال السلطان في بلدة ملتان» (ریشه و اصالت‌م عربی است، نسلم عجمی، طبعم جزایری، محل تولدم شیراز، و شهرتم ابوالفضائل است... و از کارگزاران سلطان در بلاد ملتان هستم.) (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۱۷۴).

مرحوم آقابزرگ طهرانی در طبقات الاعلام می‌گوید: «تاج‌الدین حسن شیرازی، فرزند محمدرضا، تحریم کننده استعمال تنباکو جدّ مادری محمد مؤمن جزایری است که در کتاب خود طیف‌الخیال خیرات و مبرّات و عبادت‌های او را ذکر نموده است» (الطهرانی، ۱۴۳۰: ۱۱۲/۶). و نیز در الذریعه آورده است: «رسالة في حرمة شرب التتن و التنباك: تألیف شیخ عبدالکریم شیرازی است که در شیراز مدرّس بود. صاحب طیف‌الخیال درباره او گوید: وی این رساله را به جدّ مادری من حاج تاج‌الدین حسن بن محمدرضا شیرازی هدیه کرد: جدّم نیز آن قدر به او صله داد که تمام بدهی‌هایش را ادا کرد و با آن واجب الحج گردید» (الطهرانی، ۱۴۰۳: ۱۱/۱۷۳).

البته به نظر می‌رسد صاحب الذریعه در این معرفی سهو کرده است؛ زیرا با توجه به این‌که فتوای معروف تحریم تنباکو در عصر قاجار و متأخر از حیات حاج محمد مؤمن است، معلوم می‌شود که فتوای جدّ مادری ایشان، صرفاً فقهی و غیرسیاسی بوده است و میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو، نسبتی با مؤلف خزانه الخیال ندارد. در همان جلد و همان صفحه از الذریعه، نام عالمان دیگری که پیش از دوران قاجار، قائل به حرمت استعمال دخانیات بوده‌اند، ذکر شده است.

۲-۳. مهاجرت به شیراز

در دوران صفویه، ایران برای شیعیان و بخصوص علما و دانشمندان شرایطی مناسب و جذاب داشت؛ لذا مهاجرت‌هایی از سوی علما از دیگر کشورها و حواشی ایران به شهرهای مرکزی از جمله شیراز مشهود و چشمگیر است که ناصر - جدّ محمد مؤمن - نیز در همین جرگه بوده است. مؤید این مطلب، گفته‌های ذبیح‌الله صفا است:

«ایرانیان چون شیعه را مذهبی نو و بی‌سابقه یافتند، به شیعی بودن گرایش پیدا کردند که این خود لازمه دریافت اطلاعات در این امر بود، و چون شیعه در دوره‌های قبل، بیشتر در سرزمین‌های جبل‌عامل بحرین و چندین شهر بزرگ عراق رشد و نمو پیدا کرده بود و عالمان بزرگ در آن سرزمین‌ها پدید آمده

بودند، تشیع در ایران نیاز مبرم به ارتباط با این قشر از عالمان را بر خود لازم می‌دانست. با توجه به زمینه‌های مساعد در دولت صفویه، مهاجرت این علما به ایران آغاز شد و گروه گروه از آن‌ها به اتفاق خانواده‌هایشان به شهرهای بزرگ ایران که مرکز علم و ادب بود، کوچ کردند و در آن شهرها مقیم شدند» (صفا، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

جزایری در مجلس پنجم کتاب محاسن الأخبار و مجالس الأخیار خود می‌گوید: «جد پدرم، پدر بزرگم را - که خبر تشیع‌شان در همه‌جا پیچیده بود - در کودکی یعنی در سال ۱۰۴۱ق از جزایر به شیراز آورد. پدر بزرگم در آنجا رشد کرد و در علوم دینی از جمله فقه، حدیث، تفسیر و دیگر رشته‌ها به کمال رسید و اوقات خود را در مصاحبت علما گذراند و به خانه‌های آنها رفت و آمد کرد» (الجزایری الشیرازی، ۱۲۶۷: ۱۳).

۲-۴. دیدار با سید علی خان کبیر

مؤلف خزانه الخیال با سید علی‌خان کبیر (۱۰۵۲-۱۱۲۰هـ ق) معاصر بوده و با وی - احتمالاً در شهر شیراز یا در هند - دیدار داشته است، زیرا سید علی‌خان هم در حیدرآباد و لاهور مقام دولتی داشته و آخر عمر خود را در شیراز به تدریس گذرانده است. چنان‌که در فصل «بحر محیط» می‌گوید: «نشستی با سید علی‌خان - مؤلف کتاب‌های مشهور - داشتم؛ در هر موضوعی گفتگو کردیم، و ایشان ابیاتی از سروده‌های خود را برایم خواند». (الجزایری الشیرازی، ۱۲۶۷: ۱۹۷)

این نشست و گفتگوی مفصل با سید علی‌خان (که با توجه به تفصیل این ملاقات، به نظر می‌رسد آشنایی و رفاقت‌شان مقداری عمیق و دیدارشان بیش از یک جلسه بوده است) می‌تواند بر شخصیت والای ملا محمد مؤمن هم دلالت داشته باشد.

۳. تألیفات

جزایری تألیفات پرشماری دارد؛ مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی، در مقدمه خود بر چاپ سنگی خزانه الخیال، ۳۹ عنوان کتاب و رساله برای جزایری شیرازی برشمرده و موضوع برخی از آنها را نیز آورده است که در اینجا تنها به ذکر نام آن‌ها بسنده می‌شود:

۱. بیان الآداب؛ ۲. قرّة العین و سببکة اللّجین؛ ۳. وسیلة الغریب؛ ۴. مئیة الفؤاد؛ ۵. تحفة الاخوان فی تحقیق المذاهب والادیان؛ ۶. تحفة الغریب و نخبة الطیب: شرح قانونچه در طب؛ ۷. تحفة الاحبار؛ ۸. تمیمة الفؤاد من ألم البعاد؛ ۹. جنّات عدن؛ ۱۰. مشرق السعدین؛ ۱۱.

مجمع البحرين؛ ۱۲. ثمر الفؤاد وسمر البعاد؛ ۱۳. ثمرة الحیاة وذخيرة الممات؛ ۱۴. محاسن الاخبار ومجالس الاخیار؛ ۱۵. جنات الفردوس؛ ۱۶. طرب المجالس؛ ۱۷. زینة المجالس؛ ۱۸. مادة الحیاة؛ ۱۹. مدينة العلم؛ ۲۰. طیف الخیال فی مناظرة العلم و المال؛ ۲۱. تعبير طیف الخیال؛ ۲۲. خزانه الخیال المشحونة من طرف المعاني و الالفاظ الموزونة؛ ۲۳. جامع المسائل النحویة فی شرح الصمدیة؛ ۲۴. الدر المنثور؛ ۲۵. مصباح المبتدئين؛ ۲۶. مشکوة العقول؛ ۲۷. التعليقة على أصول الكافي؛ ۲۸. التعليقة على الشرائع؛ ۲۹. شرح نهج البلاغه (ناتمام مانده)؛ ۳۰. شرح الصحيفة الكاملة السجادية (ناتمام مانده)؛ ۳۱. دیوان شعر. از اشعار زیبای او قصیده‌ای است در مدح امیرالمؤمنین با مطلع:

دَعِ الْاَوْطَانَ يَنْدُبُهَا الْغَرِيبُ وَ خَلِّ الدَّمَاعَ يَسْكُبُهُ الْكَثِيبُ

(وطن‌ها را بگذار تا غریبان برای آن زاری کنند، واشک را رها کن تا مصیبت‌زدگان آن را ببارند)

و قصیده «مخمسی» در رثاء امام حسین با مطلع:

جاءَ شَهْرُ الْبُكَاءِ فَلْتَبْكِ عَيْنِي بِدِمَاءِ عَلِيٍّ مُصَابِ الْحُسَيْنِ

(شبر، ۱۴۰۹: ۱۳۶/۵)

(ماه گریه آمد، پس چشمم باید بر مصیبت حسین(ع) خون بگرید)

۳۲. مقامات العارفين؛ ۳۳. ما نزل من القرآن في شأن أميرالمؤمنين(ع)؛ ۳۴. منية اللبيب في مناظرة المنجم والطبيب؛ ۳۵. مصباح المبتدئين؛ ۳۶. تحفة الاطباء؛ ۳۷. أسماء الكواكب المشعشة في أجواف الليالي؛ ۳۸. التعليقة على تفسير أنوار التنزيل (تأليف قاضي بيضايي)؛ ۳۹. المقامات الناسخة للمقامات: جزوه‌ای است که آیت‌الله مرعشی از آن به نام شرح مقامات حریری یاد کرده است در حالی که شرح مقامات حریری نیست بلکه خود، مقامه‌ای مستقل است.

۴. کتاب خزانه الخيال

خزانه الخيال المشحونة بدرر الأقوال و غرر الأمثال به معنای «گنجینه خیال، آکنده از سخنان مرواریدگون و مثل‌های درخشان» است. اهل علم و عقل و ادب، از لحظه لحظه عمرشان بهره مفید می‌برند و حتی در اوقات فراغت و استراحت، بجای بطالت عمر در امور بیهوده، خود را با علم و ادب

سرگرم می‌کنند که نتیجه یکی از آن بسیار، تولید این کتاب است. جزایری در بخش «بحرٌ محیط» درباره کتاب خود (خزانه الخیال) چنین آورده است:

«يقول جامع هذه الأقوال ومؤلف خزانة الخيال: اني تصفحت أكثر كتب الأدباء، وتتبع كثيراً من كلام البلغاء و انتخبت منها لطائف و ظرائف كثيرة، و جمعت فوائد جلیلة و فرائد كبیرة، و أردفتها بما سنح للخاطر الفاتر، و قفيتها بما سمح به الفكر القاصر، و أوردت جميع ذلك من غير ترتيب، تفنناً في الكلام و تنشيطاً للقلب الكئيب، فان التفتن من فن إلى فن أجلب للقلوب، و التقل من أسلوب إلى أسلوب أمر مرغوب، فدونك بحراً محیطاً «يخرج منه اللؤلؤ والمرجان»* و براً بسيطاً يلمع فيه الياقوت والعقيان، و روضة راهزة باهرة فيها روح وريحان، و جنة ناظرة فيها (فاكهة و نخل و رمان)† فانتفع بما قدمت من الموائد إليك، و استمع لما أتلو من الفوائد عليك».

ترجمه: «گردآورنده این سخنان و مؤلف خزانه الخيال گوید: بیشتر کتاب‌های اهل ادب را مرور کردم و بسیاری از سخنان بلیغان را بررسی و از آن‌ها لطایف و ظرایف بسیاری برگزیدم و فوائد ارزشمند و نکته‌های یگانه‌ای گردآوردم و آنها را با آنچه در فکر و خاطر مرسید کامل کردم و همه را از روی تنوع و تفنن بدون ترتیب آوردم تا مایه رفع خستگی دل باشد؛ زیرا تفنن و از شاخی به شاخ دیگر پریدن دل‌ها را بیشتر جذب می‌کند و انتقال از اسلوبی به اسلوب دیگر پسندیده است؛ پس این اقیانوس پر از لؤلؤ و مرجان و این دشت درخشان از یاقوت و جواهر را بگیر، این [کتاب] بوستانی پررونق از ریحان است؛ از محتوای آن بهره‌گیر و به مطالب مفید آن گوش جان بسپار». (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۷۴)

*. اقتباس من الآیة ﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ﴾. (الرحمن / ۲۲)

†. الرحمن / ۶۸

۱-۴. نسخه‌های خطی موجود

پس از جستجوی فراوان، هفت نسخه از این کتاب یافت شد، و بعید نیست که نسخه‌های دیگری هم در ایران یا دیگر کشورها از جمله هند موجود باشد که به ثبت نرسیده است. لازم به ذکر است که این تعدّد نسخ می‌تواند دلیل بر اهمیت کتاب باشد که افراد مختلف از آن استنساخ کرده‌اند:

۱. نسخه کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (بهارستان)/ کد دستیابی: ۵۵۰۵، شماره پیشین: ۶۲۴۱۲
۲. نسخه کتابخانه و موزه ملی ملک تهران/ شماره ۱۴۷۴.
۳. نسخه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی/ کد دستیابی: ۱۰۵۰، شماره پیشین: ۲۰۸۰-۱۷۲۰-س.
۴. نسخه کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی (۱)/ شماره ۴۱۴۸.
۵. نسخه کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی (۲)/ بخشی از مجموعه شماره ۸-۱۱۰۰۵.
۶. نسخه مرکز احیاء میراث اسلامی/ کد دستیابی: ۲۲۲۳۴.
۷. چاپ سنگی کتابخانه بصیرتی قم: ۱۳۹۳ هـ. ق = ۱۳۵۲ هـ. ش/ مطابق با نسخه مرعشی (۱)، به همت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، با اضافه مقدمه‌ای تحت عنوان «کاشفة الحال فی ترجمة مؤلف خزانة الخيال». نسخه موجود در کتابخانه گلپایگانی قم - که در پایگاه اینترنتی آقابزرگ معرفی شده - نیز همین نسخه است.

۲-۴. موضوع کتاب خزانة الخيال

به گفته جزایری در فصل «باقیات صالحات» با عنوان «تصیف هذا التصنیف الباهر و الشکایة عن صروف الدهر الحائر» این کتاب مجموعه‌ای از روایت‌ها، اشارت‌ها، مواعظ، نصایح، ابیات، تمثیل‌ها، مقاله‌ها و مقامه‌ها، اسلوب‌های غریب، مضامین عجیب، ضرب‌المثل‌ها، حکمت‌ها، سخنان نادر و انواع مطالب دیگر است و شاید به همین جهت کتاب خود را به این عنوان نامیده است؛ چرا که آنچه به خیال و ذهن خلّاقش آمده، در کتابش ذکر کرده است. (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۷۰)

همچنین در این کتاب... شرح حال علما و مشایخ نیز یافت می‌شود. (الطهرانی، ۱۴۰۳: ۱۵۶)

سیدعباس کاشانی درباره خزانة الخيال می‌گوید: «این کتاب با وجود حجم کم، پُر از موضوعات و مطالب متنوّع است و در واقع، جعبه ادبیات و نغمه شادی است که خوشحال و غمگین را به نشاط و

می‌دارد و عاقل و شیدا به آن انس می‌گیرد؛ مرواریدی کمیاب و اثری درخشان است که دارای شاهکارهای ادبی و میوه‌های رسیده و لذیذ و سخنان پخته است که گوش انسان از شنیدن آن‌ها لذت می‌برد و سرشت آدمی به آن رغبت می‌جوید؛ زیرا مملو از نوادر ادبی ارزشمند، فواید گران‌بها، نکته‌های زیبا و ویژه، حکایت‌های درخشان و شگفت، اشعار ناب و خوش‌آهنگ، حکمت‌های گران‌سنگ و امثالی است همچون مرواریدهای گردنبند که برخی منظوم و برخی منثور است» (کاشانی حائری، ۱۳۹۳: ۱۴).

نکته قابل‌توجه و جالب در این کتاب، اختصاص بخشی از آن به علم بدیع و شرح انواع صنایع بدیعی است که آن قسمت از اثر را به کتابی آموزشی بدل ساخته است. در زمینه تاریخ، به‌عنوان مثال در بخش «مقامة سلطانیة» با عنوان تفصیلی «مقامة سلطانیة فی ذکر وقائع ملوک الهند وسلاطینها» به شرح سرگذشت پادشاهان هند اشاره کرده است. و در حوزه سفرنامه نویسی، برای نمونه در بخش «مقامة اغترابیة» با عنوان تفصیلی «مجمّل احوال المؤلّف عُنْیَ عنّه» شرح حال سفر خود به هند و ماجرای آن سفر را بازگو می‌کند.

۳-۴. روش مؤلف در تألیف

مؤلف در هر بخش عنوانی اجمالی و پس‌از آن عنوانی تفصیلی می‌آورد، مثلاً: «نعت: نعتُ النبی صلی الله علیه وآله»، «إفادة: تحقیق نظام العالم»، «مقامة لائحة: صفات العالم الکامل». در نسخه‌های خطی، تیتراجمالی در حاشیه و تیترا تفصیلی داخل متن به رنگ قرمز است. معمولاً در آخر هر بند یک یا چند بیت شعر به‌عنوان شاهد یا متناسب با نثر پیش از آن می‌آورد. برخی از این ابیات سروده خود اوست و برخی را از دیگران - اما بدون نام بردن از شاعر آن - نقل کرده است.

بی‌گمان جزایری قرآن را به‌خوبی آموخته و معانی آن را با فراست درک کرده است، لذا در قلم او تأثیرپذیری از سبک، دقت، فصاحت، مهارت در انتقال معانی، ذکر تمثیل‌های بجا و تکرارهای لفظی قرآنی مشهود است، برای نمونه:

تأدیب: ذمّ الوقاحة و مدح الحیاء: «...ولا تحسُدْهُ عَلٰی مَا لِیُصِیْبُهُ مِنْ تَهَاوُشٍ وَیَنْوِشُهُ وَ«أَنْتَی لَکَ التَّنَاوُشُ»، فَمَنْ زَهَدَ فِی الدُّنْیَا قَنَعَ بِقُوَّتِهِ مِنْهَا، (وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا)، وَلَا یُعْرَتُکَ

تَغْلِبُهُمْ فِي الْجِلَادِ وَتَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ)، (مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ) صُدَاعٌ طَوِيلٌ، إِنَّمَا يُجَاهِدُونَ (فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ) وَبِئْسَ الْجِهَادُ، (ثُمَّ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ)).

و معلوم است که بر احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اشراف داشته و بلاغت آن‌ها را به کام جان نبوش کرده است؛ قلمش در روانی، ایجاز، تلمیح، تناسب بین الفاظ و حال مخاطب، از این احادیث تأثیر پذیرفته است. برای مثال در بخش «اختراع: کلمات و آیات علی نمط جدید» می‌گوید: «يَضْعُفُ الصَّبُّ وَيَقْوَى هَوَاهُ، كَمَا يَشِيبُ الْمَرْءُ وَيَسْتَبُّ خَصَلَتَاهُ...» (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۱۸۴) که تلمیح به این حدیث نبوی است: «يَشِيبُ الْمَرْءُ وَيَسْتَبُّ مِنْهُ خَصَلَتَانِ: الْحِرْصُ وَطَوْلُ الْأَمَلِ» (العسقلانی، ۶۸/۱۳۲۹:۶).

۴-۴. جلوه‌های بلاغی و صور خیال

وقتی کسی مسلط بر ادبیات است و مداوم با متون بلیغ سر و کار دارد، ناخودآگاه کلام و نگارشش بلیغ و بدیع است؛ این جلوه‌ها به زیبایی در کتاب خزانه الخیال موج می‌زند. همچنین می‌توان یکی از اسباب ماندگاری و تکثیر این کتاب را نوع نگارش و استفاده از سجع و استفاده از آیات و روایات و اشعار دانست. همانطور که پیشتر گفته شد، سطر سطر کتاب مملو از صنایع بلاغی است که در این مقاله از برخی صنایع، ذکر یک نمونه بعنوان یاد یکی از هزاران و قطره‌ای از دریا لازم می‌نماید. محدودیت مقاله امکان ذکر و تحلیل موارد بیشتر را نمی‌دهد. اشاره به این موارد از این جهت است که متخصصان علوم بلاغی و متعلمان بدانند که می‌توان از این کتاب بعنوان کتابی پربار برای آموزش، یادگیری و شواهد و امثال در این رشته استفاده کرد.

۱-۴-۴. تشبیه

تقریباً نیمی از تشبیه‌های موجود در کتاب، تشبیه مُرسل مفصّل است، یعنی هرگاه تشبیه به کار می‌برد، تمامی ارکان تشبیه را ذکر می‌کند. در «ذکر أحوال الانسان» تنفس و دم و بازدم را چون مرکبی می‌داند که روح آدمی را به سرمنزل مرگ و رهایی از بدن نزدیک می‌کند: «هذه الأنفاسُ كالمطايا، تُقَرَّبُ النَّفْسُ إِلَى الْمَنَايَا» (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۱۵).

در «ذمّ الحکام و الولاة» نمونه‌ای از تشبیه مؤکد دارد، یعنی ادات تشبیه ذکر نشده است، اما با توجه به انتزاعی بودن وجه شبه از صورتی مرکب، می‌توان آن را در زمره تشبیه تمثیلی قرار داد: «وَمِنْهُمْ حُكَّامٌ بَغَاةٌ... تُعَابِنُ يَبْتَلِعُونَ الْأَنْامَ، وَسَرَّاحِينَ يُفْتَرِسُونَ الْأَغْنَامَ» (همان: ۲۰).

۲-۴-۴. استعاره

با توجه به نقش آفرینی قدرتمند استعاره در ذهن مخاطب، شاید بتوان ادعا کرد که استعاره (یا تشبیهی که مشبه آن ذکر نشده است) از مهم‌ترین رازهای تأثیرگذاری و ماندگاری نثرهای فنی است. در «التحریر علی کسب الکمال» می‌گوید: «یا طالب نفاث الفنون و خاطب عرائس العیون...» (همان: ۲۰۶)، که علاوه بر اضافه نعت به منعت در قسمت اول (الفنون النفیسة)، در قسمت دوم گویی انسان طالب کمال را که در کتاب‌ها، مطالب ارزشمند را می‌جوید، به کسی تشبیه کرده است که به خواستگاری عروس رفته است، اما عروسی که در دیدگان می‌آرمد همان کلمات و محتوای کتاب است.

۳-۴-۴. طباق و مقابله

صنعت طباق، جمع دو لفظ است که در معنا با هم تضاد دارند. (الهاسمی، ۱۳۸۳: ۳۷۶) یک نمونه از طباق، در واژگان عبد و مولا و ذلیل و جلیل در فصل «ذکر صفات الانسان»: «الانسان عبد ذلیل لمولی جلیل» است (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۸). مقابله آن است که دو یا چند معنا بیاید و پس از آن دو یا چند معنای متضاد با آن به ترتیب ذکر شود (الهاسمی، ۱۳۸۳: ۳۷۸). «قال لقمان لابنه: یا بنی بع دنیاک بأخرتک تربحهما جمیعاً، ولا تبع آخرتک بدنیاک فتخسرهما جمیعاً» (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۵۶۷).

۴-۴-۴. جناس

جناس، تشابه لفظی دو واژه است که از نظر معنا با هم متفاوت باشند (الهاسمی، ۱۳۸۳: ۴۱۰). کمتر صفحه‌ای از خزانه الخیال را می‌توان یافت که خالی از انواع صنعت جناس همچون جناس تام، غیر تام، مطلق، اشتقاق، مدّیل و مطرف باشد، از جمله: «مقامة جدلیة: اتفق لي في شيراز أوائل الحال وُروُدُ مَجْمَعِ مَشْحُونِ بِأَهْلِ الْكَمَالِ، كَأَنَّهُ رَوْضٌ تَصَوَّغَتْ أَزْهَاهُ، وَتَغَرَّدَتْ أَطْيَارُهُ، أَمْ بَرَجٌ طَلَعَتْ شَمْسُهُ،

ولمعت أقمارُهُ، وفيهم شابُّ بديعُ الهيئَةِ مليحُ البيانِ، وشيخٌ عظيمُ الهيبةِ فصيحُ اللسانِ، قد بالغاً في المناقشةِ والمجادلةِ والمنافسةِ والمقاولةِ، كلٌّ منهما يفضلُ شخصه، ويُرجحُ على الآخرِ نفسه، حتى قال الشائبُ: أيُّها الشابُّ، عَدِمَتِ الصوابُ، و أسأتِ الأدبُ، وفقدتِ الأربُ» (الجزائري الشيرازي، ۱۲۵۲: ۱۷۲).

۵-۴-۴. سجع

سجع در نثر، معادل قافیه در نظم، و طبیعتاً رابطۀ میان سجع و جناس، عموم و خصوص من وجه است، یعنی در بعضی مصادیق ممکن است هم جناس باشد و هم سجع. در خزانه الخيال سجع اگرچه گاهی به تصنع می‌گراید، اما غالباً همچون زمینه‌ای مینیاتوری، تابلوهای متوالی متن را فراگرفته و جان را می‌نوازد؛ همچون این بند در بخش «بهاء و ضیاء» با عنوان تفصیلی «وصف الشيخ البهائي زيد بهاءه» که در توصیف شیخ بهایی می‌گوید: «بهاء الحق و ضیاءه، و عزّ الدین و علاؤه، وافق المجد و سماؤه، و نجم الشرف و سناؤه، و شمس الكمال و بدره، و روض الجمال و زهره، و بحر الفيض و ساحله، و برّ البرّ و مراحلها، و واحد الدهر و وحيده، و عماد العصر و عميده، و علم العلم و علامته، و راية الفضل و علامته، و منشأ الفصاحة و مولدها، و مصدر البلاغة و موردها، و جامع الفضائل و مجمعها، و منبع الفواضل و مرجعها، و مشرق الافادة و مشرعها، و مطلع الافاضة و مقطعها...» (الجزائري الشيرازي، ۱۲۵۲: ۴۰۲)

۶-۴-۴. تجرید

تجرید در اصطلاح به این معناست که متکلم، از امری که صفت خاصی دارد، امر دیگری را انتزاع کند که در آن صفت مشترک‌اند، تا کمال مبالغه را در منتزع منه برساند. تجرید غالباً به واسطه حرف «من» یا «باء» تجریدیه بیان می‌شود، اما نوعی از تجرید بدون واسطه حروف است (الهاشمی، ۱۳۸۳: ۵/۳۸۴). در مقامه‌های جزایری غالباً تجرید بی‌واسطه است؛ در ابتدا برداشت خواننده این است که حکایت از دیگری است، اما در اواسط یا اواخر مقامه معلوم می‌شود که مخاطب یا قهرمان داستان خودش بوده است؛ مانند: «مقامة لائحة: صفات العالم الكامل»، «مقامة بلقاء: ذمّ الاخوان ومدحهم»، «إفادة: تحقيق نظام العالم»، «مقامة لائحة: صفات العالم الكامل».

۴-۵. سرقت‌های ادبی

در علوم بلاغی وقتی سخن از سرقت ادبی به میان می‌آید، صرفاً نوع مذموم و منفی آن نیست، زیرا معمولاً منظور از آن، مباحثی همچون اقتباس، تضمین، تلمیح و... است (الفتنازانی، ۱۴۰۹: ۴۲۷). به همین جهت است که این باب، از محسنات بدیع لفظی به شمار می‌رود. اما آنگاه که سرقت ادبی، از نوع انتحال باشد، جای دفاع ندارد:

۱-۴-۵. اقتباس و تضمین

اقتباس آن است که در نظم یا نثر، چیزی از قرآن یا حدیث، بدون تغییر در ترکیب آن بیاورند، نه بر این وجه که از قرآن و حدیث است؛ یعنی در کلام اشاره‌ای نشود که آن قسمت از قرآن یا حدیث است. (همان) اما تضمین به این معناست که شاعر یا نویسنده، کلام دیگری را لابلای کلام خود بیاورد، و اگر آن کلام غیر مشهور باشد، اشاره کند که از دیگری است (همان: ۴۲۹). بنابراین، تضمین و اقتباس، رابطه عموم و خصوص مطلق دارند، یعنی هر اقتباسی تضمین است، اما هر تضمینی اقتباس نیست.

جزایری در خزانة الخيال گاهی آیات قرآن را با نوشته‌های خود و با آیات دیگر در هم می‌آمیزد و متن آیه را عیناً یا با تغییر در اعراب ذکر می‌کند: «وَ طَلَحَ مَنُضُودٍ، وَ ظِلٌّ مَمْدُودٍ (الواقعة: ۲۹ و ۳۰)، وَ مَاءٍ مَسْكُوبٍ، وَ هَوَاءٍ مَرغُوبٍ، وَ فُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ (الواقعة: ۳۴)، وَ أَكْوَابٍ مَوْضُوعَةٍ، وَ نَمَارِقٍ مَصْفُوفَةٍ، وَ زُرَابِيٍّ مَبْثُوثَةٍ (الغاشية: ۱۴ - ۱۶)» در فصل «ذم أهل الدنيا» (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۱۱۷).

یا اینکه تنها یک حرف از آیه را تغییر می‌دهد، مانند: «إِنَّمَا نُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ» که در قرآن کریم (ابراهیم: ۴۲) «يُؤَخِّرُهُمْ» است (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۳۳۲).

در آغاز کتاب، عبارت «حَمْدًا لِمَنْ جَعَلَ خِزَانَةَ خِيَالِ أَهْلِ الْكَمَالِ مَشْحُونَةً بِدُرِّ الْأَقْوَالِ وَ غَرْرِ الْأَمْثَالِ، وَ فَضَّلَ مِدَادَ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» از حدیث امام صادق اقتباس کرده است که می‌فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... فَتَوَزَّنَ دِمَاءَ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ، فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ». (الصدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۹)

همچنین در توصیف کتاب خود تضمینی زیبا از آیات قرآن کریم می‌آورد. این رویه‌ی استادانه، در جای جای کتاب به چشم می‌خورد:

«وَرَبَّتْ رِسَالَتِي هَذِهِ عَلَى أَحْسَنِ تَرْتِيبٍ وَنِظَامٍ، وَفَصَّلْتُ بَعْضَهَا عَنْ بَعْضٍ مُصَدَّرًا بِعُنْوَانٍ يُنْبِئُ عَنِ الْمَرَامِ، وَجَعَلْتُهَا (تَبْصِرَةً وَذِكْرًا لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ) غَيْرِ عَنِيدٍ، وَتَذَكُّرَةً (لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ)» (الجزائري الشيرازي، ۱۲۵۲: ۲).

نمونه‌ای دیگر: «إِذَا حَضَرُوا إِجَارَةً أَوْ بَيْعًا اخْتَصَمُوا لَدَيْهَا، وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا، ... قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التَّجَارَةِ (الجمعة: ۱۱)، وَ لِأَجْرِ الْآخِرَةِ (يوسف: ۵۷) أَنْفَعُ مِنَ الْبَيْعِ وَمِنَ الْإِجَارَةِ». (الجزائري الشيرازي، ۱۲۵۲: ۳۵۶)

گفتنی است که مرحوم آقابزرگ هم به اقتباس‌های او اشاره کرده است، که می‌تواند نشان‌دهنده چشمگیر بودن موارد اقتباس در کتاب باشد (الطهرانی، ۱۴۰۳: ۱۵۶/۷).

۲-۵-۴. انتحال

انتحال همان است که امروزه به آن «سرقت علمی یا ادبی» گفته می‌شود. چون همانطور که در تضمین گفته شد، چنانچه کلام دیگری مشهور نباشد، باید به این امر اشاره شود.

برای نمونه می‌توان به انتحالی که جزایری از غزالی در بخش «تشریح؛ ذم المتصوفین» دارد، اشاره کرد: «وَفِيهِمْ مَنْ يَدَّعِي عِلْمَ الْمَعْرِفَةِ وَمُشَاهِدَةَ الْمَعْبُودِ، وَمَجَاوِرَةَ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ، وَالْمُلَازِمَةَ فِي عَيْنِ الشُّهُودِ، وَلَا يَعْرِفُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ إِلَّا الْأَسْمَاءَ، وَلَكِنَّهُ تَلَقَّفَ مِنَ الطَّامَاتِ كَلِمَاتٍ يُرَدِّدُهَا لَدَى الْإِعْتِبَارِ كَأَنَّهُ يَتَكَلَّمُ عَنِ الْوَحْيِ وَيُخْبِرُ عَنِ السَّمَاءِ. يَنْظُرُ إِلَى أَصْنَافِ الْعُبَادِ وَالْعُلَمَاءِ بِعَيْنِ الْإِزْدِرَاءِ، يَقُولُ فِي الْعُبَادِ: إِنَّهُمْ أَجْرَاءُ مُتَعَبُونَ، وَفِي الْعُلَمَاءِ: إِنَّهُمْ بِالْحَدِيثِ عَنِ اللَّهِ لَمَحْجُوبُونَ. وَيَدَّعِي لِنَفْسِهِ...» (الجزائري الشيرازي، ۱۲۵۲: ۴۰۳)

و عبارت غزالی چنین است: «و فرقة أخرى ادّعت علم المعرفة ومشاهدة الحق ومجاورة المقامات والأحوال والملازمة في عين الشهود... ولا يعرف هذه الأمور إلا بالأسماء والألفاظ لأنه تلقف من ألفاظ الطامات كلمات فهو يردددها... فهو ينظر إلى الفقهاء والمفسرين والمحدثين وأصناف العلماء بعين الإزدراء... كأنه يتكلم عن الوحي ويخبر عن سر الأسرار ويستحقر بذلك جميع العباد والعلماء فيقول في العباد: إنهم أجراء متعبون، ويقول في العلماء: إنهم بالحديث عن الله محجوبون. ويدّعي لنفسه...» (الغزالي الطوسي، ۱۹۴۵: ۴۰۵)

البته با توجه به اینکه انتحال این متن دقیق و کامل نیست، شاید در مقام توجیه بتوان گفت که جزایری، در اثر مطالعه، از کلام غزالی تأثیر پذیرفته و آن را در خاطر سپرده است، اما در حین نگارش کتاب خود، متوجه انتحال نبوده است؛ و یا چون دقت و اهمیتی که امروزه نسبت به این امر وجود دارد، در آن دوره نبوده، مانند بسیاری از مؤلفان گذشته، به مسأله ارجاع اهتمام نداشته است.

۴-۶. سبک ادبی خزانه الخیال

با توجه به مطالب بالا، اجمالاً نثر کتاب مطابق با مقتضای حال، وضوح دلالت، ایجاز و گاهی همراه با تکلف است. تردیدی نیست که جزایری کتاب‌های ادبی پیشین از جمله کتاب‌های مقامات بدیع الزمان، حریری و حمیدی را به خوبی مطالعه کرده و اسلوب آن‌ها را به خاطر سپرده و به کار برده است. برای نمونه، بخش «مناظره بین الزوج والزوجتین» (الجزایری الشیرازی، ۱۳۵۲: ۸۵) از جهت داستانی، شباهت زیادی به مقامه «بین الزوجین» در مقامات حمیدی دارد.

ذکر اشعار متنوع و متناسب با متن در لابلای مطالب طراوتی به متن می‌دهد، و لازم به ذکر است که تعداد قابل توجهی از سروده‌های خود محمد مؤمن را از لابه‌لای این کتاب می‌توان جمع‌آوری و تدوین کرد.

در مقدمه سید عباس کاشانی حائری بر چاپ سنگی کتابخانه بصیرتی آمده است: «اغراق نیست اگر بگوییم که خزانه الخیال کتابی فنی، ادبی و در موضوع، دارای ابتکار و نوگرایی است و در نوع خود یگانه و بی‌همتاست؛ خاطر انسان را هنگام خستگی، به آرامش می‌رساند و ذهن را در وقت بروز ملال سرحال می‌آورد و خواننده هنگام مطالعه آن، خود را در باغی پر گل و ثمر می‌بیند که از هر میوه‌ای در آن یافت می‌شود و هر چه دل طلب کند و چشم لذت جوید، در آن حاضر می‌یابد» (کاشانی حائری، ۱۳۹۳: ۱۵).

۴-۶-۱. ائتلاف لفظ و معنا

دقت جزایری در انتخاب و تنوع الفاظ ستودنی است و همین دقت سبب می‌شود تا تناسب بین لفظ و معنا از ویژگی‌های قابل توجه نگارش او باشد. لفظ مطابق با معنا را به گونه‌ای برمی‌گزیند که ضرب‌آهنگ و قوت دلالت مراعات شود، گویی به فصاحت و روانی و گوارایی عبارات در دستگاه تکلم و التذاذ شنیداری علاقه فراوان دارد. ذکر یک نمونه، خالی از لطف نیست؛ آنجا که در مبحث «ذکر عوائق

الزمان» خطاب نفس می‌کند و از اینکه خانواده و دوستان را رها کرده و برای تأمین معاش آنها و رهایی از فقر، خود را به رنج سفر و هجران مبتلا ساخته است، گلایه و ابراز پشیمانی می‌کند:

«... فمن یضمن لی حیاة الأحبّة و العشائر الذین لأجل راحتهم تعبتُ فی جمع الذخائر، وسافرتُ إلى أطراف البلاد، وتملّقتُ لأكثر العباد من الأشراف والأوغاد، وضيعتُ الأوقات فی تحصيل الأوقات، وادّخار الزخارف عن اكتناز المعارف، واستسهلتُ الأسقام الجسمانیة والآلام الروحانیة، وقبلتُ المحنة الموجودة للراحة المفقودة، وتعبتُ النفس المعلوم لخفض العیش المعدم، فأی فائدة فی الوصول إلى الأوطان، مع عدم بقاء الأهل والأولاد والاخوان، و الأحبّة و الرفقاء و الجیران إلى تلك الأوان». (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۳۶۷)

۲-۶-۴. تفتّن

در استفاده از اصطلاحاتی که در رشته‌های مختلف، معنای خاص دارند، چنان دقیق و زبردست است که وقتی از اصطلاحات منطق و فلسفه، فقه، نجوم، طب و... استفاده می‌کند خود را به صورت استادی ماهر در آن علم می‌نمایاند. برای نمونه می‌توان بخش‌های «مناظره الفقیه و المنجم» (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۳۷۷)، «مشاجرة المنجم والطیب» (همان: ۶۱۰) را یاد کرد.

در مشاجره منجم و طیب می‌گوید: «... فلا بدّ للطیب من معرفة ما بالنجوم والتقویم والسعود والنحوس والنظرات، والبروج والدرجات والساعات، فربّ ساعة ینفع فیها الفصد والحجامة وشرب الدواء... واعلم أنّ لكلّ عضو من الأجساد اللحمانیة، والأبدان الإنسانیة، نسبة إلى برج من البروج الاثني عشر... فالرأس منسوب إلى الحمل، والرقبة إلى الثور، والکتف إلى الجوزا، والصدر إلى السرطان، والسرة إلى الأسد، والقلب إلى السنبله، والظهر والبطن إلى المیزان، والعورة إلى العقرب، والفخذ إلى القوس... وتسمی الحمل والأسد والقوس بالمثلثة الناریة، وینسب إليها الحرارة والیبوسة، والثور والسنبله والجدي بالمثلثة الأرضیة، وینسب إليها لبرودة والیبوسة... والزحل بارد یابس وهي طبیعة الموت، والمشتري حارّ رطب وهو مزاج الحیاة... وما سوی النیرین من السبعة السیارة یسمی بالخمسة المتحرّرة، والشمس والقمر والمشتري والزهرة

والرأس مسعودات، والزحل والمریخ والذنب منحوسات، والعطارد مع السعد مسعود... والفلک الأطلس غیر مکوکب والثوابت فی فلک البروج والسیارات فی سبعة أفلاک...».

۳-۶-۴. شیوة مقامه نویسی

بخش‌هایی از کتاب را مقامه‌هایی بطور پراکنده تشکیل می‌دهد. تعدادی از این مقامه‌ها، از جهت شخصیت و موضوع، شبیه به سبک مقامات همدانی و حریری است؛ اما در اواسط یا پایان برخی از مقامات معلوم می‌شود که قهرمان داستان خودش است. همچنین در برخی از مقامه‌ها، موضوع مانند مقامات همدانی و حریری مبتنی بر کلاه‌برداری و تکدی‌گری نیست، بلکه گفتگو و مجادله در مطلبی علمی و استدلال برهانی است، و نتیجه‌گیری و قضاوت درباره گفتگوها، به عهده خواننده گذاشته می‌شود. «مقامة فی مناظرة الفقیه و المنجم» (الجزائری الشیرازی، ۱۲۵۲: ۳۷۷) و «مقامة فی مشاجرة المنجم والطیب» (همان: ۶۱۰) از این دست هستند.

۴-۶-۴. آموزش کاربردی علوم بلاغی

در بخشی از کتاب به‌عنوان استاد زبردست علم بدیع به بیان انواع صنایع بدیعی پرداخته است. اما نکته قابل توجه این است که در میانه بیان این صنایع، به یک‌باره به علم بیان پرداخته و ابتدا، استعاره و کنایه و پس از آن انواع تشبیهات را به تفصیل بیان کرده است که نشان‌دهنده عدم ترتیب منطقی در این بخش از کتاب و از شاخه‌ای به شاخه دیگر پریدن است.

۵. نتیجه

محمد مؤمن جزایری شیرازی، از برجسته‌ترین عربی‌نویسان دوره خود است که به رغم خدمت در دربار پادشاهان هند، جایگاه والایی در عرصه شعر و ادب عربی داشته است.

علاقه به ادبیات عربی و دیگر علوم و آن هم در سطح بالا، خدمتی بزرگ است که در سرزمین هند در کتاب‌های خود انجام داده است.

بیشتر آثار او هنوز به صورت مخطوط باقی مانده است.

خزانة الخیال گلستانی از امثال، حکم، نصایح، وصایا، خواندنی‌های مهیج و آموزنده است که با داشتن زبانی پر از تنوع، انواع علوم ادبی، مطالب علمی، پزشکی، تاریخی و فلسفی را به زیباترین شکل

بیان کرده است؛ که شاید بتوان گفت بی‌نظمی و عدم ترتیب منطقی مباحث در برخی موارد، باعث می‌شود تا خواننده احساس یکنواختی و خستگی در مطالعه نکند. با همه این‌ها، وجود اصطلاحات پزشکی مانند «کیلوس*، کیموس[†]» و واژه‌های نسبتاً قدیمی همچون «وارش[‡]» فهم آن را برای خواننده معاصر سخت می‌نماید.

کتاب درعین حال که با به‌کارگیری فراوان انواع صنایع بدیعی، دارای نثری فنی است و در جاهایی هم دچار تکلف شده است، اما در بیشتر موارد، نثری مسجع و آهنگین دارد و در مجموع می‌توان گفت از روانی و شیوایی و درجاهایی سادگی بیان برخوردار است.

گفتنی است کتاب مورد پژوهش مجال گسترده‌ای می‌طلبد تا آن را به‌طور جامع‌تر و کامل‌تر از زوایای مختلف مورد تحلیل قرارداد که در این مقال نمی‌گنجد، و آنچه به اختصار تقدیم شد، اندکی بود از بسیار.

منابع

قرآن کریم.

الأمین، السید محسن (۱۴۰۳)، أعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.

التفتازاني، سعدالدين (۱۴۰۹)، تحقيق محمد محيي الدين عبدالحميد، قم: سيد الشهداء.

الجزائري الشيرازي، محمد مؤمن (۱۲۵۲)، خزانه الخيال، قم: مكتبة بصيرتي.

الجزائري الشيرازي، محمد مؤمن (۱۲۶۷)، زهرة الحياة الدنيا (جلد پنجم از محاسن الأخبار و مجالس الاخير) (مخطوط)، قم: كتابخانه مركز احياء ميراث اسلامي.

الزركلي، خيرالدين (۱۹۸۰)، الأعلام (قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربين والمستشرقين)، بيروت: دارالعلم للملایين.

سبحاني، باقر (۱۴۱۸)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق.

شبر، جواد (۱۴۰۹)، أدب الطف أو شعراء الحسين (ع)، بيروت: دارالمرتضى.

*. مواد غذایی داخل معده که با شیرۀ معده و دیاستازهای معده آمیخته و مخلوط شده و به صورت مایعی کمابیش غلیظ در آمده، قیلوس (معین، ۱۳۸۲: ۳/۳۱۵).

†. از یونانی خومس به معنی سیال و عصارهدر اصطلاح پزشکی مواد غذایی موجود در معده که با ترشحات و عصیر معدی آغشته شده. کیموس کم و بیش حالت مایعی غلیظ را دارد. ج، کیموسات (معین، ۱۳۸۲: ۳/۳۱۶).

‡. کسی که به غذا اشتها دارد (ابن منظور، ۶: ۳۷۱).

- الصدوق، محمد بن علي بن بابويه (٢٠٠٩)، الأمالي، بيروت: منشورات مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- صفا، ذبيح الله (١٣٧٠)، تاريخ ادبيات در ايران، تهران: فردوس، جلد پنجم.
- الطهراني، آقابزرگ (١٤٣٠)، طبقات أعلام الشيعة، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الجزء السادس.
- _____ (١٤٠٣)، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بيروت: دارالأضواء، الجزء الحادي عشر.
- العسقلاني، ابن حجر (١٣٢٩)، لسان الميزان، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- الغزالي الطوسي، أبو حامد محمد بن محمد (١٩٤٥)، إحياء علوم الدين، بيروت: دارالمعرفة، المجلد الثالث.
- فاضلي خوانساري، م. حسيني اشكوري (١٣٧٨)، محقق خوانساري: شرح حال و آثار آقا حسين بن جمال الدين محمد خوانساري. قم، مجمع ذخائر اسلامي، شركة انتشارات علمي و فرهنگي.
- كاشاني حائري، سيدعباس (١٣٩٣)، مقدمه چاپ سنگي خزانه الخيال، قم: مكتبة بصيرتي، چاپ سنگي.
- المرعشي النجفي، شهاب الدين (١٣٩٣)، كاشفة الحال في ترجمة مؤلف خزانه الخيال: مقدمه چاپ سنگي خزانه الخيال، قم: مكتبة بصيرتي، چاپ سنگي.
- معين، محمد (١٣٨٢)، فرهنگ فارسي، تهران: موسسه انتشارات اميركبير، ج ٣.
- النوري الطبرسي، الميرزا حسين (١٤٠٨)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بيروت: مؤسسة آل البيت لاهياء التراث.
- الهاشمي، أحمد (١٣٨٣)، جواهر البلاغه، قم: اسماعيليان.

References

The Quran.

Al-Amin, S. M. (1983). *A yan al-Shi a*. Beirut: Dar al-Ta'rif. [In Arabic].

Al-Asqalani, I. H. (1911). *Lisan al-Mizan*. Beirut: Scientific Foundation for Publications. [In Arabic].

Fazeli Khansari, M. Hoseini Ashkevari (1999), Mohaqeq Khansari: Biography and Works of Agha Hussein ibn Jamal al-Deen Mohammad Khansari. Qom, Islamic Reserves Association, Cultural and Scientific Publications Co. [In Arabic].

Al-Ghazali al-Tusi (1945). *Ihyā Ulūm al-Dīn* (Vol. III). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic].

Al-Hashimi, A. (2004). *Jawahir al-Balaghah*, Qom: Ismailian Publications. [In Arabic]

Al-Jazayeri al-Shirazi, M. M. (1837). *Khazanet al-Khial*. Qom: Maktabeh Basirati Publication. [In Arabic].

_____ (1851). *Zahrat al-Hayāt al-Dunyā*. In M. M. Al-Jazayeri al-Shirazi, *Mahasen al-Akhbar and Majalis al-Akhyar*. Qom: Library of Islamic Heritage Revival Center. [In Arabic].

- Kashani Haeri, S. A. (1973). *Introduction to the Lithographic Printing of Khazaneh al-Khial*. Qom: Maktabeh Basirati Publication. [In Arabic].
- Al-Mar'ashi al-Najafi, S. (1973). *Kashefa al-Hal fi Tajoma Moalef Khazanet al-Khial, Introduction to the Lithographic Printing of Khazanet al-Khial*. Qom: Maktabeh Basirati Publication. [In Arabic].
- Moin, M. (2003). *Persian Dictionary* (Vol. III). Tehran: Amirkabir Publishing Institute. [In Persian].
- Al-Noori al-Tabarsi, M. H. (1988). *Mustadrak al-Wasā'il wa-Mustanbat al-Masā'il*. Beirut: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [In Arabic].
- Al-Saduq, M. (2009). *Al-Amali*. Beirut: Scientific Foundation for Publications. [In Arabic].
- Safa, Z. (1991). *History of Literature in Iran* (Vol. 5). Tehran: Ferdowsi Publications. [In Persian].
- Shabar, J. (1989). *Adab al-Lotf Au Shara al-Hussein*. Beirut: Dar al-Murtada. [In Arabic].
- Sobhani, B. (1998). *Mawsoah Tabaqat al-Fuqaha*. Qom: The Scientific Paradise in the Foundation of Imam Sadiq. [In Arabic].
- Al-Taftazani, S. (1989), *Research by Mohammad Mohiyat al-Din Abdul Hamid*, Qom: Sayyid al-Shuhada Publications. [In Arabic].
- Al-Tehrani, A. B. (2009). *Tabaghat Aà lam al-Shia* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- _____ (1983). *Al-Dharā ilā Tasānīf al-Shīa*. Beirut: Dar al-Azva. [In Arabic].
- Al-Zirikli, K. (1980). *Al-Alām, Qāmūs Tarājim li-Ashhar al-Rijāl wa al-Nisā min al-Arab wa al-Mustaribīn wa al-Mustashriqīn*. Beirut: Dār al-Ilm lil-Malāyīn. [In Arabic].